

# ۲۹۱ - ای موقنان ای مقلان

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۹۱ - ای موقنان ای مقلان

ای موقنان ای مقلان، نامه شما ملاحظه گشت و بر حال حزین غمگین شدیم ولی امید بفضل جمال قدیم چنانست که این شدت به رخا تبدیل شود و این عسرت به راحت و مسرت بی منتهی. اگر چه در این جهان راحت و مسرتی نه و آسایش و فراغتی نیست، اگر بود اولیای الهی جستجو مینمودند و راحت جان و مسرت وجدان می طلبیدند ولی چون دانستند و به حقیقت پی بردند بکلی بیزار شدند و از هر قید آزاد گشتند جمیع حالات یکسان شد و هر مشکلی آسان گشت.

طفل درس صباوت سنگ و کلوخ و بازیچه کودکان را مهم شمرد و از فقدانش بنالد و چون به بلوغ رسد از آن اندیشه فراغت یابد و وجود و عدمش را مساوی شمارد. و همچنین اولیای الهی چون به بلوغ روحانی رسند جمیع شئون این جهان بی شکون را اضغاث احلام شمردند و نتایج اوهام بینند. لهذا شما از هیچ حالتی کدورت و مسرت ننمائید ولی امید به خداوند مهربان چنانست که عون و عنایت در این عالم نیز حاصل گردد و علیکم التحیة و الثناء.



ORIGINAL



AUDIO